

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه سمنان

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته‌ی عرفان اسلامی

عنوان:

مخاطرات سلوک در مثنوی معنوی

استاد راهنما:

دکتر محمود شیخ

استاد مشاور:

دکتر جعفر فلاحی

نگارنده:

محمد رکنی

شهریور ماه ۱۳۹۳

عنوان پایان نامه	نام و نام خانوادگی دانشجو	ماه و سال دفاع
------------------	---------------------------	----------------

۱ - عنوان پایان نامه : **مخاطرات سلوک در مثنوی معنوی**

۲ - نام و نام خانوادگی دانشجو : **محمد رکنی**

۳ - ماه و سال دفاع : **شهریور ۱۳۹۳**

اظهار نامه دانشجو

اینجانب : محمد رکنی دانشجوی دوره ی کارشناسی ارشد رشته ی : عرفان اسلامی

گرایش : دانشکده : علوم انسانی دانشگاه : سمنان گواهی می نمایم که

تحقیقات ارائه شده در این پایان نامه توسط شخص اینجانب انجام شده و صحت و اصالت مطالب نگارش شده

مورد تایید می باشد و لذا موارد استفاده از کار دیگران محققان به مرجع مورد استفاده شده اشاره شده است .

بعلاوه گواهی می نمایم که مطالب مندرج در پایان نامه تا کنون برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی

توسط اینجانب یا فرد دیگری در هیچ جا ارائه نشده است و در تدوین متن پایان نامه چارچوب (فرمت)

مصوب دانشگاه را بطور کامل رعایت کرده ام .

امضاء دانشجو :

تاریخ :

کلیه حقوق مترتب بر نتایج مطالعات این پایان نامه متعلق به دانشگاه سمنان است و بدون اجازه کتبی دانشگاه سمنان به شخص ثالث قابل واگذاری نیست، همچنین استفاده از اطلاعات و نتایج موجود در پایان نامه بدون ذکر مرجع مجاز نمی باشد.

تقدیم به:

پدر، مادر و همسر عزیزم

و به تمام آزاد مردانی که نیک می‌اندیشند و عقل و منطق را پیشه خود نموده و جز رضای الهی و پیشرفت و سعادت جامعه، هدفی ندارند.

دانشمندان، بزرگان، و جوانمردانی که جان و مال خود را در حفظ و اعتلای این مرز و بوم فدا نموده و مینمایند.

**نمیتوانم معنایی بالاتر از تقدیر و تشکر بر زبانم جاری سازم و سپاس خود را در وصف استادان
خویش آشکار نمایم، که هرچه گویم وسرایم، کم گفته‌ام.**

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی مخاطرات سلوک در مثنوی مولانا انجام شده است. با توجه به اهمیت مولانا و اندیشه‌های او در تاریخ عرفان اسلامی و همچنین اهمیت مطالعه در عرفان عملی به عنوان یکی از اصلی‌ترین حوزه‌های پژوهش و با توجه به اینکه در حوزه‌های سلوک معنوی و مخاطرات آن پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است ضرورت ایجاد می‌کند با کنکاشی دقیق و موشکافانه در مثنوی معنوی مولانا، به دسته‌بندی مخاطرات سلوک پرداخته و سپس به شرح و تبیین و بررسی این مخاطرات بپردازیم. سلوک که در اصطلاح عرفانی طی مدارج خاص را گویند که همواره باید سالک طی کرده تا به مقام وصل و فنا برسد، دارای مخاطراتی است که این مخاطرات باعث می‌شوند سالک را از ادامه‌ی راه باز دارند. این پژوهش در صدد است که با بررسی مثنوی مخاطرات سلوک را از آن استخراج کرده و به شرح و بیان آنها بپردازد. از این رو به تعریف مباحثی چون سلوک و مخاطرات آن پرداخته و سپس با مطالعه‌ی مثنوی مخاطراتش را شناسایی کرده و به دسته‌بندی آنها اقدام کرده و آنها را در پنج دسته تقسیم‌بندی کرده است که عبارتند از: الف) مخاطرات برآمده از روابط مراد و مرید، که سلوک بدون مراد، عدم شناخت مرشدان واقعی و انتخاب مدعیان دروغین به جای آنها، اعتراض کردن بر مراد و یا عدم اطاعت کامل و ستیز با او، سوءاستفاده از فروتنی آنها و امتحان کردن پیر و اولیاءالله از فروع آن می‌باشند. ب) مخاطرات برآمده از خواطر، اوهام و وساوس شیطانی، که خواطر شیطانی و نفسانی و افکار و اندیشه‌های ناصواب از فروع آن می‌باشند. ج) مخاطرات برآمده از تعلقات دنیوی و هواهای نفسانی، که تعلقات دنیوی مانند مال و ثروت، مقام و منصب، بزرگی و ریاست‌طلبی، پرخوری، شهوت، اسارت تن و در بند ظواهر و اسباب و علل بودن از فروع آن می‌باشند. د) مخاطرات برآمده از انحرافات اخلاقی، که تکبر و غرور، حرص و طمع، حسادت و کینه‌توزی، ریا و تزویر، تنگ چشمی و مخاطرات اعضا و قوای بدنی از زبان، چشم، گوش و شکم از فروع آن می‌باشند. ه) مخاطرات برآمده از همنشینی با ناهلان، که همنشینی با ابناء دنیا و اصحاب شهوت و همنشینی با افراد نادان و احمق از فروع آن می‌باشند. هر کدام از موارد ذکر شده، دارای مخاطراتی می‌باشند که سلوک سالک را متوقف کرده و یا آن را به تأخیر می‌اندازد.

کلید واژه‌ها: تصوف، سیر و سلوک، عرفان اسلامی، عرفان عملی، مخاطرات سلوک، مثنوی معنوی، مولوی.

فهرست مطالب

<u>شماره صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱.....	مقدمه
۳.....	فصل اول: کلیات تحقیق
۴.....	۱-۱- بیان مسئله
۵.....	۱-۲- فرضیه یا سوال‌های تحقیق.....
۵.....	۱-۳- اهداف تحقیق
۵.....	۱-۳-۱- هدف اصلی.....
۵.....	۱-۳-۲- اهداف فرعی.....
۵.....	۱-۴- روش تحقیق
۶.....	۱-۵- ابزار پژوهش
۶.....	۱-۵-۱- ابزار گردآوری اطلاعات.....
۶.....	۱-۵-۲- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات.....
۶.....	۱-۶- محدودیت‌های تحقیق
۷.....	۱-۷- پیشینه و سوابق تحقیق
۸.....	فصل دوم: مولانا ، مثنوی و سلوک.....
۹.....	۲-۱- مولانا جلال‌الدین
۱۳.....	۲-۲- مثنوی معنوی
۱۵.....	۲-۳- سلوک معنوی از نگاه مولانا
۱۶.....	۲-۴- مخاطرات سلوک
۱۷.....	فصل سوم: انواع مخاطرات سلوک در مثنوی معنوی.....
۱۸.....	مخاطرات سلوک در مثنوی
۱۸.....	۳-۱- مخاطرات برآمده از روابط مراد و مرید

۲۱ ۳-۱-۱- مخاطرات بی‌مرشدی
۳۰ ۳-۱-۲- انتخاب مدعیان دروغین به جای مرشد واقعی
۳۷ ۳-۱-۳- گستاخی در برابر مرشد
۴۰ ۳-۱-۴- عدم اطاعت کامل از استاد
۴۱ ۳-۱-۵- تقلید و مخاطرات آن
۴۵ ۳-۲- مخاطرات برآمده از تعلقات و هواهای نفسانی
۴۸ ۳-۲-۱- ویژگی‌های دنیا (مخاطرات دنیا)
۵۵ ۳-۲-۲- ویژگی‌های اهل دنیا و مخاطرات راه آنها
۶۲ ۳-۲-۳- اسیر اسباب و علل ظاهری بودن
۶۶ ۳-۲-۴- مال و ثروت
۶۸ ۳-۲-۵- مقام و منصب
۶۹ ۳-۲-۶- بزرگی و ریاست طلبی
۶۹ ۳-۲-۷- جاه طلبی
۷۱ ۳-۲-۸- خوردن طعام دنیوی (پرخوری)
۷۵ ۳-۲-۹- شهوت
۸۱ ۳-۲-۱۰- اسارت تن
۸۲ ۳-۳- مخاطرات برآمده از خواطر ، اوهام و وساوس شیطانی
۸۴ ۳-۳-۱- وساوس شیطانی (خواطر شیطانی)
۸۶ ۳-۳-۲- مخاطرات نفس اماره (خواطر نفسانی)
۹۸ ۳-۳-۳- رابطه‌ی نفس و شیطان از دیدگاه مولانا
۱۰۰ ۳-۳-۴- خیال (افکار و اندیشه‌های ناصواب)
۱۰۷ ۳-۴- مخاطرات برآمده از انحرافات اخلاقی
۱۰۸ ۳-۴-۱- تکبر و خودبینی
۱۱۵ ۳-۴-۱-۱- خودبینی و تکبر حاصل از کرامات و مدح متملقان

- ۱۱۷۳-۴-۱-۲-تکبر و خودبینی و غرور حاصل از تعلیم و تعلّم
- ۱۱۸۳-۴-۱-۳-تکبر و غرور حاصل از دعا و ذکر
- ۱۱۹۳-۴-۱-۴-خودنمایی و بزرگ نمایی
- ۱۲۰۳-۴-۱-۵-پندار کمال و غرور حاصل از آن
- ۱۲۱۳-۴-۲-ریا و تزویر
- ۱۲۳۳-۴-۳-حرص و طمع مذموم
- ۱۲۸۳-۴-۳-۱-حرص و طمع به انجام کار بد
- ۱۲۹۳-۴-۴-تنگ چشمی
- ۱۲۹۳-۴-۵-حسد و کینه توزی و رابطه ی آنها با هم
- ۱۳۰۳-۴-۵-۱-حسد
- ۱۳۴۳-۴-۵-۲-کینه توزی
- ۱۳۵۳-۴-۶-مراقبت نکردن از اعضاء و قوا و ناتوانی در کنترل خود
- ۱۳۵۳-۴-۶-۱-زبان
- ۱۳۹۳-۴-۶-۲-نگاه ناپاک یا چشم چرانی
- ۱۴۰۳-۴-۷-حرام خواری
- ۱۴۱۳-۵-مخاطرات برآمده از همنشینی با ناأهلان
- ۱۴۸فصل چهارم: نتایج پژوهش
- ۱۵۱فهرست منابع و ماخذ
- ۱۵۴چکیده انگلیسی

مقدمه

مثنوی معنوی که دریایی است بی کران، انباشته از دُرّهای گران‌مایه و پرقیمت که به بیان خود مولانا هدفش کشف اسرار و وصول و یقین است و آنچه را که در آن مطرح است در کمتر کتابی می‌توان یافت. در عین حال، نوشتاری است بلند و طولانی که شاید خواندن سراسر آن از حوصله‌ی بسیاری خارج باشد، و نیز به شعر است و چه بسا برخی نتوانند به آسانی مضمون این اشعار پربار را دریابند، و با کندی و تأمل پیش بروند، و این کار برای افراد کم حوصله خسته‌کننده است. همچنین کتابی است با عناوین کم و مطالب گوناگون و گسترده که در ضمن آنها داستانها و مَثَل‌هایی ذکر شده است.

هدف ما در این پژوهش، آن است که علاقمندان به عرفان عملی، مخاطرات سیر و سلوک را بشناسند.

در باب مثنوی کتابها و مقالات و پایان‌نامه‌های زیادی نگاشته شده است که به موضوعات گوناگون پرداخته‌اند و در این نوشتار به بررسی مخاطرات سلوک که مولانا در مثنوی بیشتر بدان پرداخته روی آورده و آنها را استخراج و دسته‌بندی کرده و تلاش شده است که با عنوانی مناسب عرضه شود.

شایان ذکر است که تمام نوشته‌های این پایان‌نامه براساس مثنوی و منابع مرتبط و با کمک از شروخی که بر آن نوشته شده گردآوری شده است.

در این نوشتار ابتدا به تعریف خود سلوک پرداخته و در ادامه سعی شده است که تعریفی مناسب برای مخاطرات بدست بیاید و سپس ابیات مثنوی را یک به یک مطالعه کرده و با کمک گرفتن از شروح مثنوی مخاطرات را استخراج کرده و به دسته‌بندی آنها اقدام کرده و به شرح هر کدام همراه با ابیاتی که مربوط به آن می‌باشد، اقدام شده است.

در جمع‌آوری و تدوین این مطالب اساتید بزرگوارم دکتر محمود شیخ و دکتر جعفر فلاحی کمال همکاری را داشته‌اند که از اساتید خود سپاسگزاری می‌کنم.

این پایان‌نامه در چهار فصل تدوین شده است که این چهار فصل عبارتند از:

فصل اول که کلیات تحقیق می باشد و در واقع بیان کننده و روشن کننده‌ی مراحل انجام تحقیق، اهداف، ابزار گردآوری اطلاعات و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات را به خواننده می‌دهد تا خواننده آشنایی نسبتاً کلی با پژوهش پیدا کند.

فصل دوم در واقع مقدمه‌ای است برای متن اصلی پایان‌نامه که همان فصل سوم است. با توجه به اینکه موضوع این تحقیق مربوط به مثنوی معنوی مولانا است ابتدا به شرح مختصری از زندگی مولانا پرداخته شده و سپس توضیحاتی درباره‌ی مثنوی و موضوعات آن و نحوه‌ی سرودن آن بیان شده است و در ادامه به سلوک خود مولانا و در آخر به واژه‌ی مخاطرات پرداخته شده است و تعاریفی برای آن ذکر شده است.

فصل سوم که بدنه‌ی اصلی تحقیق را تشکیل می‌دهد به سراغ مثنوی رفته و مخاطرات سلوک در مثنوی را استخراج کرده و به دسته‌بندی و شرح آنها پرداخته شده است.

فصل چهارم که فصل پایانی تحقیق می باشد در برگزیده‌ی نتیجه تحقیق می باشد.

امیدوارم که در این نوشتار مطالبی بتوان یافت که در جاهای دیگر نیامده است و خواننده بتواند از خواندن این پایان‌نامه فایده‌هایی را کسب کند.

فصل اول

کلیات

۱-۱- بیان مسأله

«سلوک» در لغت به معنای راه رفتن و حرکت و سالک اسم فاعل آن، به معنای رونده این راه است (لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۴۵، ج ۲۸: ۶۰۵/معین، ۱۳۸۴: ۶۸۷) و در اصطلاح عرفانی طی مدارج خاص مانند توبه، ورع، زهد و... را گویند که همواره باید سالک طی کرده تا به مقام وصل و فنا برسد (سجادی، ۱۳۵۰: ۲۶۹).

در حقیقت سلوک سفری معنوی است و سالک در این سفر مراحل طی می‌کند و از منزل می‌گذرد، و در هر مرحله مقامی است که سالک به آن می‌رسد و پس از اینکه در آن مقام به کمال رسید به مقام بعدی و بالاتر می‌رود (علوی، ۱۳۷۵: ۳۱۲).

عارفان مسلمان در سلوک معنوی و احوال سالک در طی این مدارج بسیار دقت داشته‌اند و از مخاطرات حرکت در این سیر بسیار سخن گفته‌اند. یکی از بزرگانی که در این مسئله بسیار اندیشیده مولانا جلال‌الدین محمد بلخی است. در بینش او، سیرالی‌الله تغییر و تبدیل وجود انسان از نقص به سوی کمال بی‌انتهاست. این تغییر و تبدیل نه تنها در باطن و درون سالک الی‌الله به وجود می‌آید، بلکه قالب و جسم مادی او را شامل می‌شود (خوشحال دستجردی، ۱۳۸۶: ۲۴۵).

سالک باید با شکیبائی و شرح صدر، منزل به منزل گام‌های سلوکی را بردارد و مراقبت‌های لازم را در هر مقام و مرحله‌ای شناخته و عمل نماید تا به تدریج از قوه به فعل درآید و کامل گردد و از سلوک تا شهود را به فرجام نیکو یعنی فناء فی‌الله و بقاء بالله برسد.

مولانا نیز بر ظرایف و خطرات سلوک الی‌الله و اطوار نفس آگاهی داشته و در جای جای آثار خود از موانع و خطرات این سفر سخن گفته است. مسئله این رساله نیز گونه‌های مخاطرات سلوک در مثنوی معنوی مولاناست.

منظور از مخاطرات در سلوک اموری هستند که مانع از ادامه حرکت سالک می‌شوند و این مخاطرات هستند که در میانه راه سالک قرار می‌گیرند و او را در تنگنا قرار داده و حجاب و سد و مانعی در سر راه او می‌شوند. این امورند که مولانا در آثار منظوم و منثور خود با دقت و موشکافی زیاد به خطرات و موانع ادامه سلوک توجه کرده و آنها را در مثنوی معنوی خود به خوبی بیان کرده است.

با توجه به اهمیت مولانا و اندیشه‌های او در تاریخ عرفان اسلامی و همچنین اهمیت مطالعه در عرفان عملی به عنوان یکی از اصلی‌ترین حوزه‌های پژوهش و با توجه به اینکه در حوزه‌های سلوک معنوی و مخاطرات آن پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است، ضرورت ایجاد می‌کند با کنکاشی دقیق و موشکافانه در مثنوی معنوی مولانا، به دسته‌بندی مخاطرات سلوک پرداخته و سپس به شرح و تبیین و بررسی این مخاطرات بپردازیم.

این پژوهش می‌کوشد با جستجو در مثنوی معنوی مولانا، اندیشه‌ی او درباره‌ی مخاطرات سلوک را باز نماید و به بررسی آنها بپردازد. لذا تحقیقی است در حیطه‌ی عرفان عملی با تکیه بر ادبیات عرفانی و اندیشه‌های عرفانی مولانا.

۱-۲- سوالات تحقیق

- ۱- مولانا چه دیدگاهی درباره کیفیت سلوک معنوی دارد؟
- ۲- از نظر مولانا چه مخاطراتی حرکت سالکانه را تهدید می‌کند؟
- ۳- از دیدگاه مولانا چه راههایی برای در امان ماندن از هرگونه مخاطرات سلوکی وجود دارد؟

۱-۳- اهداف تحقیق

۱-۳-۱- هدف اصلی

هدف اصلی این رساله آگاهی از مخاطرات سلوک در مثنوی معنوی مولانا است.

۱-۳-۲- اهداف فرعی

- ۱- شناخت مبانی سلوک از نگاه مولانا؛
- ۲- شناخت و تبیین و بررسی مخاطرات سلوک در اندیشه مولانا؛
- ۳- دسته‌بندی مخاطرات سلوک معنوی؛
- ۴- راههای مبارزه با مخاطرات سلوک از نگاه مولانا.

۱-۴- روش تحقیق

این تحقیق به روش تبیینی می‌باشد. در این تحقیقات مفاهیم و اصطلاحات را مشخص کرده و با تکیه بر خلاقیت ذهنی و دقت فراوان و دانش‌های پیشین و مطالعات فراوان، اطلاعات و مواد اولیه

تحلیل، به روش کتابخانه‌ای گردآوری می‌شوند و با بهره‌گیری از کارهای تحلیلی به ارائه تحقیق در حوزه‌های نظری خواهیم پرداخت.

۵-۱- ابزار پژوهش

۱-۵-۱- ابزار گردآوری اطلاعات

فیش تحقیق، کتابها، پایان نامه‌ها، مقالات، فرهنگ‌ها، دایرةالمعارف‌ها، رایانه و اینترنت، سی‌دی‌های جستجوی اطلاعات.

۲-۵-۱- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

این پژوهش به بررسی مخاطرات سلوک از نگاه مولانا می‌پردازد. برای رسیدن به این مهم باید ابتدا سلوک، سالک، هدف و مراحل سلوک را از نظر مولانا توصیف و سپس با مطالعه مثنوی معنوی مولانا، مخاطرات سلوک معنوی را از نظر او استخراج و دسته‌بندی نمائیم و سپس به تحلیل نظرات او بپردازیم. بنابراین مطالعات ما مشتمل بر سه مرحله‌ی اساسی است:

۱- استخراج مخاطرات سلوک از مثنوی معنوی مولانا؛

۲- دسته‌بندی موارد؛

۳- تحلیل و تبیین ارتباط موارد با اندیشه و حیات مولانا.

۶-۱- محدودیت‌های تحقیق

مشکل عمده‌ای که در راه مطالعه موضوع مورد بحث وجود دارد و باعث محدودیت‌هایی در طی انجام این تحقیق شده است، این است که بیشتر تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده است مربوط به موانع سلوک می‌باشد که در آغاز راه سالک قرار می‌گیرد و با مخاطرات سلوک که در حین راه برای سالک پیش می‌آید تفاوت دارد و نیز در این زمینه، قبل از این پژوهش، پژوهش‌ها و تحلیل‌های بسیار کمی در این حوزه به انجام رسیده است.

۷-۱- پیشینه و سوابق تحقیق

با توجه به اینکه تحقیق گسترده و مفصلی در این باره انجام نشده است و بیشتر تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده، مربوط به خودِ سیر و سلوک و مراحل آن از نظر بسیاری از عرفا بوده است؛ از جمله ملاحسین کاشفی که به بررسی موضوع سیر و سلوک در مثنوی معنوی پرداخته و استاد جلال‌الدین همایی که اثرِ گرانددر مولوی‌نامه را تألیف کرده و بسیاری دیگر که تنها به یکی از مخاطرات سلوک پرداخته‌اند. در این باره فقط می‌توان به مقالاتی از آقای محمدعلی خالدیان اشاره کرد که با عنوان موانع معرفتی و عملی کمال از دیدگاه مولوی در مثنوی معنوی به چاپ رسیده است. آقای خالدیان بیشتر به موانع سلوک پرداخته و کمتر به مخاطرات سلوک اشاره داشته است. به همین خاطر تلاش شده تا بتوان این موضوع را در مثنوی معنوی مولانا بررسی کرده و شرح داده شود.

فصل دوم

مولانا، مثنوی و سلوک

۱-۲- مولانا جلال الدین

مولانا جلال الدین محمد بلخی در تاریخ ششم ربیع الاول سال ۶۰۴ هـ ق. در بلخ دیده به جهان گشود. همه‌ی مورخان او را با نام محمد و لقبش را با نام جلال الدین گفته‌اند و او را جز جلال الدین به لقب خداوندگار نیز خوانده‌اند. بعدها در کتب از او به «مولانای روم» و «مولوی» و «ملای روم» یاد کرده‌اند (صفا، ۱۳۶۸: ۴۶۱).

«علت شهرت او به رومی و مولانای روم، همان طول اقامت وی در شهر قونیه که اقامتگاه اکثر عمر و مدفن اوست بود» (فروزانفر، ۱۳۸۴: ۱۹).

مولانا نیز یکی از بزرگترین و تواناترین گویندگان متصوفه و از عارفان نام‌آور ادب فارسی، شاعر حساس صاحب اندیشه و از متفکران بلامنزاع عالم اسلامی به شمار می‌رود (صفا، ۱۳۶۸: ۴۴۹-۴۴۸).

پدر مولانا، محمد بن حسین خطیبی است که به بهاء الدین ولد معروف شده است و او را «سلطان العلماء» لقب داده‌اند (فروزانفر، ۱۳۸۴: ۲۰).

جلال بر وفق آنچه بعدها از زبان مریدان پدرش نقل می‌شد، از جانب پدر نژادش به ابوبکر صدیق خلیفه‌ی رسول خدا می‌رسید و از جانب مادر به اهل بیت پیامبر نسب می‌رسانید (زرین کوب، ۱۳۸۹: ۲۱).

پس از آنکه بهاء‌ولد پدر مولانا با خاندان خود بر اثر رنجش خوارزمشاه یا خوف سپاه خونخوار مغول شهر بلخ و خویشان خود را بدرود گفت، قصد حج کرد و به جانب بغداد رهسپار گردید و چون به نیشابور رسید، وی را با شیخ فریدالدین عطار اتفاق ملاقات افتاد و به گفته‌ی دولت‌شاه «شیخ عطار خود به دیدن مولانا بهاء‌الدین آمد. و در آن وقت مولانا جلال الدین کوچک بود. شیخ عطار کتاب اسرارنامه را هدیه به مولانا جلال الدین داد و بهاء‌الدین را گفت: زود باشد که این پسر تو آتش در سوختگان عالم زند» و دیگران هم کمابیش این داستان را ذکر کرده‌اند و گفته‌اند که مولانا پیوسته اسرار نامه را با خود همراه داشته است (فروزانفر، ۱۳۸۴: ۳۱).

با توجه به اینکه دکتر ذبیح الله صفا درباره‌ی مولانا تحقیقاتی مفصلی کرده است و آنها را در جلد سوم کتابش با عنوان تاریخ ادبیات در ایران آورده است به همین خاطر در ادامه به گزارشی از زندگی مولانا با استفاده از این کتاب خواهیم پرداخت.